



ایران باستان

اشعار وطن پرستانه شهریار

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۵ آبان ۱۳۹۲ | دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

استاد شهریار شهریار در سال 1314 که به مناسبت جشن هزاره فردوسی از تمام شاعران فارسی زبان دعوت می شود که به یادگار جشن فردوسی شعری بسرایند، این شعر بلند را در بزرگداشت حکیم فردوسی سرود: سخن، آیینه غیبی است اسرار نهانی را سخنور در زمین، ماند سروش آسمانی را نیززد، گوید: این زندان گیتی زندگانی را به مرگ خویش چون یابد حیات جاودانی را زهی مردی که بختش تا جهان باشد جوان باشد خوشا مرگی که خوشتر از حیات جاودان باشد به هنگامی که نادانی به گیتی حکمفرما بود تمدن در جهان همخوابه سیمرغ و عنقا بود... جهان را تا



استاد شهریار

شهریار در سال 1314 که به مناسبت جشن هزاره فردوسی از تمام شاعران فارسی زبان دعوت می شود که به یادگار جشن فردوسی شعری بسرایند، این شعر بلند را در بزرگداشت حکیم فردوسی سرود:

سخن، آیین غیبی است اسرار نهانی را سخنور در زمین، ماند سروش آسمانی را نیرزد، گوید: این زندان گیتی زندگانی را به مرگ خویش چون یابد حیات جاودانی را زهی مردی که بختش تا جهان باشد جوان باشد خوشا مرگی که خوشتر از حیات جاودان باشد به هنگامی که نادانی به گیتی حکمفرما بود تمدن در جهان همخواه سیمرغ و عنقا بود... جهان را تا جهانبان بود، زنده نام ایران بود خوشا ایران زمین، تا بود، مهد علم و عرفان بود ز سرو و سوسن دانش یکی زیبا گلستان بود هزار آوای این گلشن هزاران بود جمال گلبنانش مایه اقبال و پیروزی نوای دلپذیر بلبلانش دانش آموزی

با سپاس از بانو مهسا

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «اشعار وطن پرستانه شهریار»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1390/pdf/اشعار-وطن-پرستانه-شهریار.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۲۷ مهر ۱۳۹۹